

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۹، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

حقوق و روابط انسانی در آثار امام محمد غزالی (علمی - پژوهشی) *

دکتر عنایت‌الله شریف‌پور^۱، دکتر محمدرضا صرفی^۲، مهدیه محمودزاده^۳

چکیده

یکی از محورهای اساسی تفکرات و تأملات اندیشمندان، عرفا و فلاسفه اساساً شناخت ماهیت انسان است. در غالب ادیان الهی مخصوصاً دین مبین اسلام نیز به شناخت این شاهکار خلقت تأکید زیادی شده است تا مقدمه‌ای در شناخت حضرت حق تعالی باشد. از مهم‌ترین موضوعاتی که در جهت شناخت انسان مطرح می‌شود، روابط، حقوق و تکالیف آنان در مقابل یکدیگر است.

ابوحامد امام محمد غزالی، متفکر و اندیشمند قرن پنجم هجری، در آثار گرانقدرش این موضوع را سرلوحه کار خود قرار داده است. در این مقاله با مطالعه سه اثر معروف غزالی؛ یعنی کیمیای سعادت، نصیحة الملوك و احیاء علوم الدین، دیدگاه و نظریات وی در ارتباط با حقوق و روابط انسان‌ها استخراج، بررسی و نقد و تحلیل شده است که با توجه به بینش دقیق و عالمانه او می‌توان دیدگاه‌های وی را سرلوحه اخلاق و رفتار جامعه بشری قرار داد. از جمله مهم‌ترین حقوقی که غزالی مخاطبان خود را به رعایت آن‌ها سفارش کرده است، مواردی است از قبیل حقوق

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵

۱-دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

E-mail: e.sharifpour@uk.ac.ir

۲-استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مسلمانان، همسایگان و دوستان نسبت به یکدیگر، حقوق اعضای خانواده نسبت یکدیگر، حقوق برابر در ازدواج، حق آبرو و حقوق رفاهی و سایر حقوق مردم که بر عهده دولت‌هاست.

واژه‌های کلیدی: حقوق انسان، امام محمد غزالی، نصیحة‌الملوک، کیمیای سعادت، احیاء علوم الدین

۱- مقدمه

یکی از مفاهیم کلیدی و بسیار مهم در غالب تحقیقات، شناخت انسان، چستی و مفاهیم مربوط به وی است تا شناختی جامع و کامل نسبت به او حاصل شود. شناخت انسان از آن جهت قابل تأمل است که مقدمه شناخت خداوند است و کسی که حقیقت خود را بشناسد، خدا را خواهد شناخت؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده است: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (مجلسی، ۱۳۶۳: ص ۳۲).

در متون اسلامی از انسان با عنوان خلیفه الهی نام برده شده است. شهید مطهری با توجه به آیه ۱۲۸ سوره توبه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) تأکید می‌کند که از نظر اسلام، انسان کسی است که درد خدا را داشته باشد و چون درد خدا را دارد، درد سایر انسان‌ها را نیز دارد. وی پیامبر را به عنوان یک انسان کامل از دید اسلام معرفی می‌کند، چراکه رنج مردم بر او سخت و گران است و حریص نجات‌دادن مردم است (ن.ک: مطهری، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۰).

۱-۱- بیان مسئله

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و باید به صورت گروهی زندگی کند، این سؤال پیش می‌آید که هر یک از آنان در برابر یکدیگر چه حقوق و تکالیفی دارند و در روابط انسانی خود چه چیزهایی را باید رعایت کنند؟

یکی از علوم زمانه حاضر حقوق اسلامی است که در راستای تبیین و تشریح حقوق انسان‌ها از دیدگاه اسلامی می‌پردازد. بوازار (Marcel Andre Biosard) در کتاب *انسان‌دوستی در اسلام* بیان می‌کند که در اسلام هم حقوق فرد مطرح است و هم حقوق

اجتماع. اسلام مؤید شخصیت انسان، آزادی و شکوفندگی او است و این آزادی در پرتو ایمان به خدا شکل گرفته است. در واقع اعتقاد به خداوند و بندگی او انسان را در برابر انسان، به آزادی و برابری می‌رساند و این احساس برابری، وظایف و حقوق انسان‌ها را در قبال یکدیگر معلوم می‌کند (ن.ک: بوازار، ۱۳۶۲: ۷۳-۷۴).

بسیاری از متفکران و عالمان این موضوع را سرلوحه مطالعات و تألیفات خود قرار داده‌اند. یکی از متفکران اسلامی در حوزه شناخت انسان و حقوق وی، ابو حامد امام محمد غزالی است. در این مقاله با تکیه بر آثار وی، شواهد و مؤلفه‌های حقوقی انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر استخراج و نقد و بررسی شده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در موضوع حقوق بشر در آثار ادیبان فارسی، پژوهش‌های چندی صورت گرفته است، از جمله مقاله «گفتمان حقوق انسانی در گلستان سعدی» نوشته محمد قراگوزلو و «گلستان و حقوق طبیعی انسان» نوشته دکتر محمود عبادیان. در این دو مقاله گلستان سعدی از منظر حقوق بشر بررسی و نظریات سعدی در این خصوص استخراج و نقد شده است. علاوه بر این دو، حسین نداف در پایان‌نامه منشور حقوق بشر در شعر فروغ فرخزاد، صفارزاده و شفیع‌بی به بررسی این موازین در آثار سه تن از ادیبان معاصر پرداخته است؛ مجتبی رؤیتوند نیز در پایان‌نامه جلوه انسان‌دوستی و حقوق بشر در ادبیات فارسی شاعران مشروطه، این موضوع را از منظر شعرای مشروطه بررسی کرده است. چنانکه مشاهده می‌شود، مقاله پیش‌رو با تحقیقات انجام‌شده، متفاوت و محتوای آن موضوعی تازه است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

حقوق بشر یکی از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه نظر جهانیان را به خود جلب کرده و موضوع مورد بحث غالب مجامع انسانی است. اگرچه این موضوع چند دهه‌ای است به صورت علنی و جهانی مطرح شده است؛ اما در اسلام و در بین علمای اسلامی مسئله‌ای است که قدمت دیرینه دارد. امام محمد غزالی در قرن پنجم هجری قمری این موضوع را

در غالب آثار خود مطرح کرده است؛ در حالی که تنها چند دهه از عمر مجمع جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی گذرد. ضرورت این تحقیق از آن جهت است که تاکنون کسی از این منظر به آثار غزالی نگریسته است. در این مقاله سعی بر آن است تا با استخراج این مؤلفه های حقوقی به مدعیان حقوق بشر نشان داده شود که این مطلب موضوعی تازه نیست، بلکه در بین متفکران اسلام سابقه ای به قدمت تاریخ اسلام دارد.

۲- بحث

در ادامه آثار غزالی از منظر حقوق بشر مطالعه و موازین حقوقی آنها استخراج و نقد و تحلیل شده است.

۲-۱- تعریف حق و تکلیف و انواع آن

در ابتدای کلام لازم است تعریفی درباره مفهوم حق و انواع آن ارائه شود و سپس توضیحی مختصر درباره دو سند مهم جهانی حقوق بشر داده شود که مبنای کار این پژوهش بوده است.

در زبان عربی این واژه معانی مختلفی دارد. حق در اصل به معنای وجود و ثبوت و مطابقت و موافقت و نقیض معنای باطل است (ن.ک: محمد بن مکرّم، ۱۳۸۴: ذیل واژه حق). در لغت نامه دهخدا ذیل این واژه معانی زیر ذکر شده است: راست کردن سخن، درست دانستن، یقین نمودن و... (ن.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه حق). فرهنگ معین برای آن معانی ذیل را ذکر کرده است: وظایف، تکالیف و همچنین قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است. در تعریف حقوق بشر آن را مجموعه حقوق و اختیاراتی می دانند که به یک شخص به عنوان انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، ملیت، تابعیت یا جنس او داده می شود (ن.ک: معین، ۱۳۶۲: ذیل واژه حق).

در علم حقوق، حق را چنین تعریف کرده اند: «سلطه، توانایی و امتیازاتی که به موجب قانون یا قواعد حقوق به اشخاص داده می شود و به وسیله آن افراد می توانند در روابط

اجتماعی خویش، اراده خود را به یکدیگر تحمیل کنند و آنان را به رعایت و احترام آن الزام نمایند» (کریمی نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

مدنی معتقد است که حقوق عبارت است از مجموع قواعد کلی که بر رفتار اشخاص که در جامعه زندگی می‌کنند و یا بر ارگان‌های حکومت، که اداره جامعه را بر عهده دارند و بر ارتباط افراد با ارگان‌های حکومت و در ارتباط با دیگر واحدهای سیاسی ظاهر می‌شود و دولت ضامن اجرای آن‌ها است. (ن.ک: مدنی، ۱۳۸۵: ۲۹). مدرسی نیز حق را آن چیزی می‌داند که فرد به واسطه آن از سایرین بخواهد کاری را انجام دهند و یا انجام ندهند تا از این طریق بدو منفعتی برسد (ن.ک: مدرسی، ۱۳۷۱: ۳۱۵).

واژه مقابل حق، تکلیف است. در واقع تکلیف، مسئولیتی است که در احقاق حقوق مطرح است. تکلیف و حق از یکدیگر جدا نیستند. اگر کسی حقی دارد، در مقابل تکالیف و وظایفی نیز بر عهده او است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لا یجری لِأحدٍ أَلَا جَرِی عَلَیْهِ وَ لَا یَجَرِی عَلَیْهِ أَلَا جَرِی لَهُ»، حقی برای کسی نیست، مگر آنکه به عهده‌اش هم حقی است و به عهده کسی حقی نیست، مگر آنکه برای او و به نفع او هم هست (حضرت علی (ع)، ۱۳۷۸: خطبه ۲۱۶). پس حق و تکلیف دو رویه یک سکه و لازم و ملزوم یکدیگرند. اگر جایی حقی از کسی ضایع می‌شود، به دلیل کوتاهی کردن فرد مقابل در انجام دادن تکلیف و مسئولیتش بوده است.

رئیس جمهور امریکا، فرانکلین روزولت (Franklin Delano Roosevelt)، در سال ۱۹۴۱ همگان را به جهانی مبتنی بر چهار آزادی یعنی آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی از فقر و احتیاج و آزادی از ترس فراخواند. این اقدامات سبب تأسیس سازمان ملل متحد و تدوین منشور آن شد. در ۱۹۴۵ منشور ملل متحد به امضا رسید و سرانجام در دهم دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید که نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر با هدف برقراری تفاهم مشترک ملت‌ها در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است و مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است. (ن.ک: مهرپور، ۱۳۸۳، ۳۶-۴۷). پس از

این تاریخ مسئله حقوق بشر به عنوان یک موضوع جهان شمول و همگانی درآمد که همه دولت‌ها و ملت‌ها را موظف به رعایت مواد این اعلامیه می‌داند.

این اعلامیه تقریباً مهم‌ترین مسائل حقوقی مشترک بین تمام انسان‌ها را دربردارد. با وجود این، شاید بتوان گفت بعضی موارد ریز و حساس از دید آن پنهان مانده است. از این رو جوامع اسلامی با برخورداری از منابع غنی اسلامی، که تمام حقوق ریز و درشت انسانی را در تعالیم خود نهفته دارد، برای تکمیل اعلامیه حقوق انسان وارد عمل شدند. در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ هجری قمری، اجلاس وزرای امور خارجه سازمان اجلاس اسلامی در قاهره برگزار شد. در این اجلاس دولت‌های عضو سازمان اجلاس اسلامی با ایمان به خداوند یکتا و با تصدیق رسالت حضرت محمد (ص) و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب برای تحقق اموری که در شریعت اسلامی آمده است، اعلامیه حقوق بشر اسلامی را مطرح کردند. حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمانان است؛ بنابراین هیچ کس حق ندارد آن‌ها را به صورت کلی یا جزئی متوقف کند یا زیر پا بگذارد. بسیاری از این مواد با اعلامیه جهانی یکسان است و چندین مورد اضافه بر آن در این اعلامیه موجود است. تسخیری اضافات را به شرح ذیل ذکر کرده است: حق فضل و کرامت به دست آمده از طریق کار، جلوگیری از راه‌های تولید مثل انسان، حرمت مرده انسان، ممنوعیت تخریب مزارع و ساختمان‌های مسکونی در خلال جنگ، حق خانواده در برخورداری از نفقه مرد، حق دعوت به نیکی و نهی از منکر، حق فرد در حمایت از مقدسات خود در برابر توهین‌ها، حقوق ذوی القربی، حق انسان در پیروی از دین فطری، آزادی از قید و بند استعمار، ممنوعیت ربا و کسب درآمد مشروع (ن.ک: تسخیری، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۷).

حقوق به طور کلی شامل انواعی است که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد. اولین و مهم‌ترین حق، حق خداوند بر بنده است. همه چیز از آن خداوند است و نهایتاً به سوی او برمی‌گردد و هیچ موجودی در برابر او از خود استقلال ندارد. «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ

ما فی الأرض» (بقره: ۲۵۵). همه نعمت‌هایی که انسان از آن برخوردار است، از آن حضرت حق است. از همین رو مسئولیت انسان در برابر خداوند واجب می‌شود.

دومین حق، حق انسان نسبت به خود است. مصباح یزدی معتقد است که نفس انسان دارای ابعاد گوناگونی است که با یکدیگر ارتباطاتی دارند و به نسبت این ارتباط، نسبت به دیگری دارای حقوق و بالتبع مسئولیت خاصی است. مثلاً انسان حق ندارد هرطور که بخواهد از اعضا و جوارح ظاهری و باطنی‌اش استفاده کند (ن.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). غزالی نظر خود را در این خصوص چنین بیان می‌کند: «هیچ چیز به تو نزدیک‌تر از تو نیست. چون تو خود را نشناسی دیگری را چون شناسی... پس تو را حقیقت خود طلب باید کرد تا خود، تو چه چیزی و از کجا آمدی و کجا خواهی رفت و اندر این منزلگاه به چه کار آمده‌ای و تو را از بهر چه آورده‌اند و سعادت تو چیست و در چیست؟ و شقاوت تو چیست و در چیست؟» (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۳). پس انسان در قبال خود مکلف است تا به خودشناسی دقیق پردازد تا از این طریق بتواند صفات رذیله را از خود دور و صفات حمیده را تقویت کند و در راه سعادت قرار گیرد تا از این طریق به خداشناسی برسد.

حق سوم مربوط می‌شود به وظیفه انسان در مقابل سایر موجودات زنده دیگر. حق چهارم تکلیف انسان در مقابل سایر انسان‌هاست که در واقع موضوع اصلی این پژوهش است. در ذیل به انواع حقوق انسان‌ها در مقابل یکدیگر اشاره خواهد شد. برای تفهیم بهتر موضوع، ابتدا به تشریح هر کدام از حقوق با توجه به اسناد موجود از جمله رساله حقوق حضرت سجاد (ع)، نهج البلاغه، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی خواهیم پرداخت و سپس نظر غزالی در مورد آن ذکر خواهد شد.

۲-۲- حق مسلمانان نسبت به یکدیگر

دین مبین اسلام به صراحت مسلمانان را برادر یکدیگر خوانده است و برای آنان حقوق برابری قائل شده است. در این دین بین سیاه و سفید، عرب و عجم و... تفاوت و برتری وجود ندارد و تنها ملاک برتری، تقوا است. حضرت سجاد (ع) شماری از این حقوق را

چنین تشریح کرده‌اند که انسان نباید نسبت به دیگر مسلمانان کدورتی داشته‌باشد، باید با مهربانی با آن‌ها برخورد کند، شکر و سپاسش را از نیکوکاران آن‌ها دریغ نکند، برای همه مسلمانان دعا کند و به یاری همه آن‌ها بشتابد (ن.ک: حضرت سجاد (ع)، ۱۳۸۸: ۲۰).

نویسندگان و حکیمان ایرانی نیز از توجه به این امر غافل نبوده‌اند. غزالی در کیمیای سعادت فهرستی از حقوق را به‌طور کلی برای مسلمانان قید می‌کند که سایر مسلمانان موظف هستند آن‌ها را رعایت کنند، از جمله: هر چه به خود نمی‌پسندند به دیگران نیز نپسندند؛ ممنوعیت قهر کردن بیش از سه روز؛ عدم تکبر و زور زدن بر دیگران؛ گوش ندادن به حرف سخن‌چینان؛ رفتار نیکو با همگان؛ احترام گذاشتن به پیر و کودک؛ ایجاد انس و آشتی بین مسلمانان؛ عیب‌پوشی؛ ممنوعیت تهمت زدن و غیبت کردن؛ جلوگیری از ضایع شدن حقوق مالی و جانی دیگران؛ عیادت بیماران؛ شرکت کردن در تشییع جنازه مسلمانان؛ زیارت اهل قبور و ... (ن.ک: غزالی، ۱۳۶۱: ۴۱۳-۴۲۷). وی این نکات ریز و دقیق را با استناد به سخنان حضرت رسول (ص) بیان کرده‌است که از لحظه تولد تا مرگ انسان را دربردارد.

۲-۳- حقوق رعیت و زیردستان

رعایت حقوق مردم به عهده دولت‌ها و بزرگان مملکت است. در مقابل مردم نیز در قبال مسئولان حکومتی تکالیفی دارند. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحَقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لَأَلْفَتِهِمْ وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ» بزرگ‌ترین حق‌ها که خدا واجب کرده است، حق والی بر رعیت است و حق رعیت بر والی، که خدای سبحان آن را واجب نمود و حق هر یک را به عهده دیگری واگذار کرد و آن را موجب برقراری پیوند آنان و ارجمندی دین ایشان قرار داد (حضرت علی (ع)، ۱۳۷۸: خطبه ۲۱۶). اگر والیان، حق مردم را تمام و کمال ادا کنند و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار کنند، بسیاری از مفاسد و جنایات ریشه کن خواهد شد و آرامش بر جامعه حاکم می‌شود.

برای جلوگیری از تجاوز ظالمان به حقوق مردم و اجرای عدالت اجتماعی در جامعه، رعایت قواعد و اصولی الزامی است. غزالی شماری از این امور را ذکر کرده است که والی یا حاکم باید انجام دهد: الف- در هر امری باید چنین فرض کند که خود رعیت است و دیگری والی. ب- نسبت به انتظار حاجتمندان بی توجه نباشد؛ زیرا بر آوردن حاجت آنان واجب است. ج- خود را به قناعت عادت دهد. د- با مدارا با مردم رفتار کند. ه- در جلب خشنودی رعیت منطبق بر شرع و شریعت تلاش کند. و- از ظلم غلامان و نایبان خود بر رعیت جلوگیری کند و برای رعایت بهتر عدل باید ظلم، شهوت و غضب را از عقل بازدارد تا ایشان را اسیر عقل و دین گرداند نه عقل و دین را اسیر ایشان. قاعده فهم آن است که تلاش کند تا بیشتر متمایل به عفو باشد و کرم و بردباری پیشه کند (ن.ک: غزالی، ۱۳۶۱: ۵۲۷-۵۳۹). وی در جای دیگر در این خصوص بیان کرده است که:

«جمله حق زیر دست آن است که وی را در نان و جامه شریک خود کند و آنچه فوق طاقت او باشد، نفرماید و در او به چشم تکبر و خوارداشت ننگرد و گناه او را عفو کند و در آن حال که او در خشم شود در زلتی یا خیانتی که در حق او کرده شود- اندیشه کند و در خیانت خود بر حق خدای، عز و جل، و تقصیر خود در طاعت او، با آنکه قدرت خدای، عز و جل، بر او بیش از آن است که قدرت او بر زیر دست خود، تفکر کند» (غزالی، ۱۳۶۶، ۴۷۳). مسئولان حکومتی باید با زیردستان به نوعی برخورد کنند که اگر خود جای آن‌ها بودند، این رفتار را می‌پسندیدند.

۲-۴- حق همسایه

در آیات و روایات تا چهل منزل از هر سمت و سوی منزل فرد را همسایه به شمار آورده‌اند. رعایت احترام و حقوق همسایگان از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. حضرت امام سجّاد (ع) در سفارش به حقوق همسایه می‌فرماید: باید محافظ منافعش در غیبت او و حافظ کرامتش در حضورش باشی؛ نباید برای یافتن عیب‌هایش تجسس کنی و اگر متوجه عیبی از او شدی، آن را پوشان؛ در گرفتاری تنه‌ایش نگذار؛ بر نعمت خداوند

بر او حسد نوز؛ لغزش هایش را بیخس؛ با حلم با او برخورد کن و همیشه با او در صلح باش؛ مگذار دیگران از او بدگویی کنند؛ مانع خیانت بدو شو؛ حرف‌های بد را درباره او باور نکن و با او به نیکویی معاشرت کن (ن.ک: حضرت سجاد (ع)، ۱۳۸۸: ۱۳).

غزالی نیز از بیان حقوق همسایه غافل نشده و رعایت آن را بر خود و دیگران فرض دانسته است. وی در این باره می‌نویسد حق همسایه نه آن است که او را نرجانی و بس، بلکه آن است که با وی به نیکویی رفتار کنی و سخن حضرت رسول (ص) را در این خصوص نقل می‌کند که:

«اگر از تو یاری خواهد، یاری دهی و اگر وام خواهد، وامش دهی و اگر درویش باشد، مدد کنی و اگر بیمار باشد، عیادت کنی و اگر بمیرد، از پس جنازه وی فراشوی و اگر شادایی رسدش، تهنیت کنی و اگر اندوهی رسدش، تعزیت کنی و دیوار سرای خویش بلند برنداری تا راه باد و آفتاب از وی بسته شود و چون میوه خوری، وی را فرستی و اگر نتوانی، پنهان خوری و نپسندی که فرزند تو در دست گیرد و بیرون شود تا فرزندان وی را چشم در آن آید و وی را به دود مطبخ خود نرنجانی، مگر که وی را از طبخ خویش بفرستی» (غزالی، ۱۳۶۱: ۴۲۸). همچنین از دیگر حقوق همسایه آن است که:

«از زلت‌های او در گذارد و از بام در عورات او ننگرد و در نهادن تیر در دیوار و رفتن آب از ناودان و انداختن خاک پیش سرای با وی مضایقت نکند و راه سوی خانه وی تنگ نگرداند و در چیزی که او به خانه خود برد، ننگرد و آنچه از عیب‌های وی منکشف شود، بپوشد و چون حادثه‌ای به وی رسد، دستگیری کند و در غیبت او نگهبان خانه‌اش باشد و از نفقات فرزندان او غافل نباشد و سخن او را استراق سمع نکند و چشم از حرم وی فرو خواباند و در خادمه او به دوام ننگرد و با فرزندان او در سخن تلطف نماید و در آنچه او از کار دین و دنیا نداند، رهنمونی کند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۴۲۸). در این بخش غزالی با توجه به تعالیم اسلامی نکات بسیار ظریف و دقیقی در باب حقوق همسایه ذکر کرده‌است که تقریباً می‌توان گفت با این صراحت و دقت در هیچ کدام از اسناد اروپایی و امریکایی

حقوق بشر ذکر نشده است. گویی آن مدعیان حقوق بشر از توجه به این مسئله مهم خواسته یا ناخواسته غفلت ورزیده‌اند.

۲-۵- حق دوست و معاشر

در حوزه دوستی، اولین قدم، تشخیص دوستان صادق است. حضرت امام حسین (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ وَمَنْ أَبْغَضَكَ اغْرَاكَ»، کسی که تو را دوست دارد، از تو انتقاد می‌کند و کسی که با تو دشمنی دارد، از تو تعریف و تمجید می‌کند (بحارالانوار، مجلسی، ج ۷۵: ۱۲۸). با این تعریف انسان می‌تواند دوستان خود را از بین دشمنان تشخیص دهد. رابطه دوستی تنها ارتباط بین دو فرد نیست؛ بلکه به صورت گسترده‌تر، دوستی گروه‌ها، ارگان‌ها، ملیت‌ها و کشورها را نیز دربرمی‌گیرد. اگر در روابط بین ملت‌ها و کشورها و... هر کس خود را ملزم به رعایت این حقوق می‌داند، جوامع کمتر شاهد جنگ، کشتار و قتل و غارت‌های گسترده بودند.

غزالی، رابطه دوستی را آنقدر مهم و قابل توجه ویژه دانسته که حقوق آن را به صورت جداگانه و ویژه از سایر حقوق ذکر کرده است. وی برای تحکیم این رابطه ده حق را برشمرده است: الف- حق مال که شامل سه مرحله است: ایثار به دوستان، جدا نداشتن مال خود از دوست و بخشیدن مال به دوست در موقع نیازمندی، بدون توقع جبران. ب- یاری دوست در همه حاجت‌ها، قبل از تقاضای وی. ج- عیب‌پوشی دوستان. د- اظهار دوستی به زبان. ه- آموختن علم دین به وی و ترغیب وی به انجام دادن امور اخروی در خفا و خلوت. و- عفو زگت و تقصیر. ز- یاد خیر از دوست و خانواده‌اش در حیات و ممات. ح- وفاداری نسبت به دوست؛ چنان که بعد از مرگ وی از فرزندان و اهل وی غافل نشوی و دیگر آنکه به دوستان تکبر نوری و در دوستی مداومت ورزی و با دشمنان دوست دوستی نکنی. ط- تکلف را از میان بردارد. ی- خود را از همه دوستان کمتر شناسد و از ایشان هیچ چیز انتظار نداشته باشد (ن. ک: غزالی، ۱۳۶۱: ۴۰۱-۴۱۳). با توجه به عبارت‌های

پایانی نکته بسیار حائز اهمیت آن است که دوستی و دوام آن با مرگ یکی از اعضا مختل نمی‌شود. دوستان حتی بعد از فوت یکی از اعضا، باز نسبت به یکدیگر مسئول هستند.

۲-۶- حق مرد بر زن

در خانواده همه اعضا حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر دارند. مرد به عنوان یکی از ارکان اصلی و پایه خانواده از حقوقی ویژه برخوردار است. غزالی در آثارش این حقوق را برشمرده است که دین مبین اسلام ادای آن‌ها را تکلیف زن دانسته است تا پایه‌ها و ارکان خانواده محکم و پایدار بمانند. غزالی در این خصوص معتقد است که:

«حق مرد بر زن آن است که در خانه بنشیند و بی‌دستوری وی بیرون نشود و فرا در و بام نشود و با همسایگان مخالطت و حدیث بسیار نکند و بی‌ضرورتی به نزدیک ایشان نشود و از شوهر خویش جز نیکویی نگوید و گستاخی که میان ایشان باشد در معاشرت و صحبت - حکایت نکند و در همه کارها بر مراد و شادی وی حریص باشد و در مال وی خیانت نکند و در همه کارها مراد وی طلبد و شفقت نگاه دارد و چون دوست شوهر وی در بگوید، چنان پاسخ دهد که وی را نشناسد و از جمله آشنایان شوهر، خویشتر را پوشیده دارد تا وی را باز ندانند و با شوهر بدانچه بود، قناعت کند و زیادتیی طلب نکند و حق وی را از حق خویشاوندان فرایش دارد و همیشه خویشتر را پاکیزه دارد؛ چنان که صحبت و مباشرت و معاشرت را بشاید و هر خدمت، که به دست خویش بتواند کردن، بکند و با شوهر به جمال خویش فخر نکند و بر نیکویی که از وی دیده باشد، ناسپاسی نکند و نگوید من از تو چه دیده‌ام؟ و هر زمانی بی‌سببی عیب نجوید و خشم نگیرد و طلب خرید و فروخت و طلاق نکند» (غزالی، ۱۳۶۱: ۳۲۳). همچنین وی از جمله مهم‌ترین حقوق مرد بر زن را دو چیز می‌داند: «یکی صیانت و تستر و دوم ترک مطالبت به چیزی که ورای حاجت است و تعفف از کسب او، چون حرام است» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۹).

۲-۷- حقوق زن بر مرد

همان‌طور که زن در برابر مرد خود مکلف به رعایت حقوقی است، مرد نیز در برابر وی مسئول است و چه بسا مسئولیت سنگین‌تری را عهده‌دار است. حضرت سجاد (ع) می‌فرماید

که هر دو طرف زن و شوهر باید شکر گزار این نعمت حق باشند. زن باید از شوهر اطاعت کند تا زمانی که اطاعتش منافاتی با اطاعت حق نداشته باشد و بر شوهر است که با همسر خویش مهربان و با او انیس و همدم باشد (ن.ک: حضرت سجّاد (ع)، ۱۳۸۸: ۹). دوام و ثبات روابط همسری منوط به همکاری زن و مرد با هم است. در اسناد حقوق بشر اروپایی و آمریکایی، حقوق زن و مرد در خانواده نسبت به یکدیگر چندان به صراحت بیان نشده است؛ در حالی که اعضا و ارکان خانواده با شناخت تکالیف و حقوق خود و دیگر اعضا می توانند باعث استحکام خانواده و در نتیجه رعایت حقوق سایر اعضای جامعه شوند.

غزالی، حقوق زنان را که مردان مکلف به رعایت آنها هستند، بدین ترتیب شرح می دهد: خوش خلقی با زنان، نه بدان معنی که ایشان را نرنجانند، بلکه به این معنی که رنج آنها را تحمل و بر ناسپاسی آنان صبر پیشه کند؛ با ایشان در حد اعتدال، مزاح و بازی کند و گرفته و عبوس نباشد؛ در حدیث غیرت، اعتدال نگاه دارد و نباید که بی جهت، گمان بد برد و غیرت را از حد ببرد؛ پرداخت نفقه به اعتدال، چنان که نه تنگ گیرد و نه اسراف کند، که ثواب نفقه کردن بر عیال بیش از ثواب صدقه است؛ آموزش زنان از علم دین در رابطه با نماز و طهارت و حیض و غیر آن؛ اگر دو زن داشته باشد، باید عدالت را بین آن دو برقرار کند؛ باید در هم خوابگی آداب آن را رعایت کند (ن.ک: غزالی، ۱۳۶۱: ۳۱۴-۳۱۸).

۲-۸ حق خانواده در برخورداری از نفقه مرد

ماده ششم اعلامیه حقوق بشر اسلامی به این حق اختصاص دارد، اما این حق به این صورت در اعلامیه جهانی حقوق بشر موجود نیست. غزالی برای بیان این حق از قول حضرت رسول (ص) مدد می گیرد که می فرماید: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، یعنی، بهترین شما آن است که با اهل خود بهتر باشد و نیز: دِينَاراً أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ دِينَاراً أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَ دِينَاراً تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَ دِينَاراً أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، أَعْظَمُهَا اجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، یعنی، دیناری که در راه خدای، تعالی، نفقه کنی و دیناری که بر رقبه نفقه کنی و دیناری که به مسکین صدقه کنی و دیناری بر اهل خود نفقه کنی، بزرگ ثواب تر از این

جمله آن است که بر اهل خود نفقه کنی... و مهم تر چیزی که در نفقه باید رعایت کرد، آن است که از حلال باشد و از راه بدی کسب نشده باشد که آن خیانت باشد در حق ایشان (ن.ک: غزالی، ۱۳۶۶: ۹۹).

۲-۹- حقوق فرزندان بر والدین

ماده هفتم اعلامیه حقوق بشر اسلامی مربوط به حقوق فرزندان است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده بیست و پنجم را به خود اختصاص داده است. حضرت صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده اند که حقّ فرزند بر پدر، در صورتی که پسر باشد، آن است که مادرش را مسرور گرداند و نام او را نیکو قرار دهد و کتاب خدا را به او بیاموزد و او را پاکیزه نگاه دارد و شنا کردن را به او تعلیم دهد و اگر دختر باشد، این است که مادرش را خشنود گرداند و نامش را نیکو نهد و سوره نور را به او تعلیم دهد (فروع کافی، ج ۶، ۱۸۷). شاید بتوان گفت مهم ترین ثمره زندگی انسان، فرزند وی است؛ پس چگونه پروردن وی اهمیت خاصی می یابد. برای این منظور باید والدین از حقوق ویژه فرزند خود مطلع باشند و آن ها را رعایت کنند.

غزالی در این خصوص می نویسد که فرزند در دست پدر و مادر، امانت است و اگر به راه درست هدایت شود یا راه خلاف، والدین در ثواب و عقابش شریک هستند. والدین باید فرزندان را با ادب پرورند؛ اخلاق نیکو بیاموزند؛ از دوست بد حفظ کنند؛ به قناعت خو دهند؛ از مال حلال بدو بخوراند؛ آداب شریعت و دین را به او بیاموزند؛ کارهای پسندیده اش را تحسین کنند و از خطایش چشم پوشند، اما اگر خطا زیاد شود، وی را توبیخ کنند؛ او را به تن پروری و کاهلی خو ندهند و خُلق نیکو و تواضع را به او بیاموزند (ن.ک: غزالی، ۱۳۷۶: ۴۴۴-۴۴۶).

از دیگر تکالیف پدر و مادر نسبت به فرزندان آن است که آنان را با بدخویی خود به عصیان و اندارند. غزالی با تکیه بر حدیث پیامبر (ص) سفارش می کند که پسری را که هفت روزه شد، عقیقه کنید و نام نیکو بنهید و پاکیزه کنید و چون شش ساله شد، ادب

بیاموزید و چون هفت ساله شد، به نماز فرمایید و چون نه ساله شد، جامه خواب جدا کنید و چون ده ساله شد، به سبب نماز بزنید و چون شانزده ساله شد، پدر، وی را زن دهد (ن.ک: غزالی، ۱۳۶۱: ۴۳۱). بر پدر و مادر واجب است در قهر و دوستی، نوازش و تنبیه، عطا و سلب و... عدالت را بین فرزندان رعایت کنند و بدین ترتیب مودت و دوستی را بین آنها ایجاد کنند.

۲-۱۰- حق آبرو و حیثیت

قاری سید فاطمی، بنیادی ترین اصل موضوعی حقوق بشر را اصل حیثیت انسانی می داند که در واقع زیربنای اخلاق هنجاری است و از دیدگاه حقوق بشری، غیرقابل انکار است. وی تأکید دارد که انسان از آن جهت که آزادانه و به اختیار مرتکب اعمالش می شود، اخلاقاً نسبت به آنها مسئول است. اصل حیثیت انسانی در واقع یک صفت و ویژگی انسانی نیست؛ بلکه گزاره ای اخلاقی است که دو تجلی دارد: اول وضع قاعده برابری انسانی و دیگری تجلی تصمیم گیری که نتیجه اش آزادی انسانها در انتخاب هایشان است (ن.ک: قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۳۸).

قرآن کریم علاوه بر حق حیات، حفظ حیثیت و کرامت انسان را از مهم ترین حقوق وی دانسته است. مصباح یزدی چند مورد از کارهایی را که آبرو و کرامت انسانها در گرو رعایت آنهاست، این چنین برمی شمرد: الف- عدم بدگمانی و تجسس و غیبت: «اجْتَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ...» (حجرات: آیه ۱۲). ب- عدم تهمت و افترا: این رفتار سبب می شود امنیت و آرامش از اعضای جامعه رخت بر بندد. ج- عدم استهزا و تمسخر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات: آیه ۱۱). د- عدم ترش رویی و بی اعتنایی: «لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (لقمان: آیه ۱۸) (ن.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۱۱-۲۲۷). چنان که در این آیه بیان شد، تکبر از مواردی است که به حیثیت افراد لطمه می زند. غزالی در بیان آفات تکبر به مواردی اشاره می کند که در واقع سبب سلب این حق اساسی از انسان می شود:

«پس عیب کردن مردمان و استحقار ایشان آفت اول است و رد کردن حق، آفت دوم و هر که پندارد که او به از برادر خود است و او را حقیر دارد و عیب کند و به چشم خوارداشت در او نگردد یا حق را رد کند، با آنچه آن را می شناسد، [وی] در آنچه میان او و میان خلق است، تکبر کرده باشد» (غزالی، ۱۳۶۸: ۲۷۰). وی درباره استهزا و تمسخر نیز می نویسد:

«نباید که گروهی بر گروهی استهزا کند، باشد که آن جماعت که بر ایشان استهزا می کنند، به از استهزاکنندگان باشند و معنی سخریت، حقیر شمردن و خوارداشتن است و عیب ها و نقص ها بر وجهی بازگفتن که از آن خنده آید و آن به محاکات باشد در قول و فعل و به اشارت هم بود» (غزالی، ۱۳۶۸: ۲۷۰).

۲-۱۱- حق برابر در ازدواج برای زنان

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق زنان، حقوق ویژه ای برای زنان اختصاص داده است، از جمله حق رأی و مشارکت سیاسی؛ حق تحصیل برابر؛ حقوق برابر در ازدواج؛ آزادی انتخاب همسر؛ حقوق برابر در طول دوره زناشویی؛ حق برابر در تربیت فرزند؛ حق آزادی برابر نسبت به انتخاب نام خانوادگی، حرفه و اداره اموال خود.

غزالی از جمله حقوق زن به رضایتمندی وی ضمن عقد اشاره می کند. «رضای زن، اگر تیب بالغه باشد یا دوشیزه بالغه، از رضای وی چاره نبود ولیکن غیر، پدر و جد وی را به زنی دهد» (غزالی، ۱۳۶۶: ۷۴). حقوق زنان بخش جدانشدنی و مهم حقوق جهانی بشر است و حذف هرگونه تبعیض علیه آنها از اهداف اولیه جامعه بین المللی است (ن. ک: قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۳۳۴). در حالی که اسلام چهارده قرن پیش با دید جاهلانانه ای که نسبت به زن وجود داشت، به ستیزه برخاسته و برای وی شخصیت مستقل قائل شده و وی را صاحب اراده و اختیار در انجام دادن امور زندگی و انتخاب همسر و ... دانسته است، هنوز در بعضی جوامع رفتاری کالاکونه با زن دارند و بعضاً در امر ازدواج هیچ اراده و اختیاری

برای وی قائل نیستند. بنابراین ضروری است که کنوانسیون مستقل برای احقاق حقوق زنان تشکیل شود.

۲-۱۲- حق‌های رفاهی و حداقل‌های معیشتی

حق بهره‌مندی از امکانات کافی زندگی از جمله حقوق رفاهی محسوب می‌شود. بر اساس مادهٔ یازده میثاق بین‌المللی حقوق بشر، هر فرد و خانواده‌اش علاوه بر اینکه حق دارند از امکانات کافی برای ادامهٔ حیات مانند غذا، پوشاک و مسکن بهره‌مند باشند، محق هستند که به صورت مستمر، شرایط معیشتی خود را بهبود بخشند. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر علاوه بر غذا، لباس و مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات ضروری اجتماعی را نیز در زمرهٔ حداقل‌های معیشتی به‌شمار آورده است (ن. ک: قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ۲۹۲-۲۹۳). احقاق این حق بر عهدهٔ دولت‌های حاکم می‌باشد. ارتباط مستقیم و متقابلی بین دوام حکومت‌ها و رضایت و رفاه مردم وجود دارد. اگر مردم از نظر اقتصادی و رفاهی در مضیقه نباشد، در دوام و ثبات دولت‌ها بسیار مؤثر و مفید است. غزالی معتقد است که:

«واجب بود سلطان را که چون رعیت وی بیچاره شوند و به سختی درمانند، ایشان را فریاد رسد؛ خاصه آن وقت که قحط افتد و اندرمانند از معیشت خویش، پادشاه باید که ایشان را طعام دهد و [از] خزینه یاری کند به مال و نگذارد که حشم وی بر رعیت ستم کنند؛ که آن‌گاه مردمان درویش گردند و از ولایت تحویل کنند و دخل‌های سلطان شکسته شود و منفعت به انبارداران و محتکران بازگردد و دعای بد و بدنامی به سلطان بماند و از این سبب بود که ملوک پیشین از این حال‌ها پرهیز کردند و از خزینه رعیت را یاری دادندی» (غزالی، ۱۳۶۷: ۱۶۷). درواقع با این کارها علاوه بر راضی‌نگاه داشتن مردم، برای دوام و ثبات پادشاهی و حکمرانی خود تلاش می‌کردند.

۲-۱۳- حق برابری در مقابل دادگاه

در اولین جملهٔ مادهٔ چهارده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق برابری در مقابل دادگاه تشریح شده‌است. از جمع جملهٔ اول مادهٔ چهارم و بند یکم مادهٔ دوم میثاق،

این نتیجه به دست می آید که همه افراد بدون هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد، مذهب، جنسیت، زبان، دیدگاه‌های سیاسی و غیرسیاسی، وضعیت اجتماعی، ولادتی، مالکیتی و غیره باید به صورت برابری از حمایت دستگاه قضایی در تضمین حقوقشان برخوردار باشند و دادگاه باید رفتاری برابر با آن‌ها داشته باشد. حق بر دادخواهی، محاکمه عادلانه و دادگستری مستقل و بی طرف در اسناد حقوق بین‌المللی و اسلامی نیز برای دفاع از حقوق تضييع شده انسان‌ها قید شده است.

رعایت این حق در آثار ادبی و تعلیمی فارسی، نمودی واضح دارد و نویسندگان در غالب حکایات و روایات بدان سفارش اکید کرده‌اند. غزالی در نصیحة الملوک حکایتی از رسم ملوک عجم بیان می‌کند در ارتباط با همین موضوع که خلاصه آن به شرح ذیل است: در بین پادشاهان عجم مرسوم بود که روز نوروز و مهرگان بار عام می‌دادند و مردم شکایات خود را مستقیم به عرض پادشاه می‌رساندند و دادخواهی می‌کردند. پادشاه نخست از خود شروع می‌کرد و اعلام می‌کرد که هرکس از او شکایتی دارد، بیان کند و خود مقابل موبد موبدان می‌نشست تا پاسخ‌گوی حقوق تضييع شده باشد و از موبد می‌خواست تا بدون اغماض داوری کند و بعد از پادشاه نوبت سایرین بود. (ن. ک: غزالی، ۱۳۶۷: ۱۶۹).

غزالی در خصوص رعایت عدالت معتقد است که قضات باید مجهول بی‌نام را با معروف باجاه و حشمت، در خصومت و داوری برابر دارند و به هر دو به یک چشم نگرند و یکی را بر یکی فضل ننهند (ن. ک: همان: ۱۲۱). اگر حکام و دولتمردان عادل باشند و قاضیان بی‌اغماض و بر مبنای حق داوری کنند، همواره صاحبان حق به حقوق خود می‌رسند و دست متجاوزان کوتاه می‌گردد، امنیت و صلح بر جامعه حکم فرما می‌شود و همگان در آرامش و آسایش زندگی می‌کنند و مدینه فاضله‌ای که بسیاری از آن دم می‌زنند، به وجود می‌آید.

۳- نتیجه گیری

حقوق بشر به شکل امروزی خود مبحثی نو و جدید در جهان است که عمر آن به یک قرن هم نمی‌رسد. با وجود این، سردمداران مجامع جهانی خود را حامیان بی‌عیب و نقص حقوق بشر می‌دانند. حال آنکه بحث حقوق انسان در ایران قدمتی بسیار دیرینه دارد و به دوران کورش کبیر و پس از آن ظهور آیین مقدس اسلام برمی‌گردد. با چنین پشتوانه محکمی است که اندیشمندان و متفکرانی همچون غزالی ظهور می‌کنند.

غزالی در قرن پنجم یعنی مدّت زمانی حدود هشت قرن پیش از تشکیل مجمع بین‌المللی حقوق بشر و انتشار اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، در لابه‌لای سه اثر معروف خود با بهره‌گیری از مکتب اسلام و فرهنگ غنی ایرانی، مؤلفه‌های حقوق انسانی را بیان کرده‌است. در این پژوهش علاوه بر شرح مختصری از حقوق انسان نسبت به خداوند و خویشن خود، به میزان قابل توجهی، به روابط و حقوق انسان‌ها نسبت به یکدیگر پرداخته شده‌است. از جمله حقوقی که غزالی به آن‌ها اشاره کرده‌است، مواردی است که در سطور آتی ذکر می‌شود. حق مسلمانان نسبت به یکدیگر اولین حقی است که در این مقاله مطرح شده‌است. غزالی در این خصوص معتقد به رعایت مواردی است همچون خودداری از تکبر و ورزیدن، غیبت کردن و تجسس و رعایت اموری مانند خوش خلقی، رفتار حسنه و... نسبت به یکدیگر. وی بر والیان و حاکمان در رعایت حقوق مردم و تأمین نیازهای آنان سفارش اکید کرده‌است. در ادامه از حقوق همسایه و دوستان سخن به میان آمده و رعایت اموری مانند حق مال، عیب‌پوشی و خوش رفتاری در حیات و رسیدگی به اوضاع فرزندان و خانواده دوستان در ملمات اشاره شده‌است. غزالی برای مردان و زنان بر مبنای آیات و احادیث حقوقی مجزاً ذکر کرده و به زنان در رعایت عفت، اطاعت و تمکین از همسر سفارش کرده‌است. وی علاوه بر این، به حقوق دیگری از جمله حقوق فرزندان، حق خانواده در برخورداری از نفقه، حقوق برابر در ازدواج، حقوق رفاهی، حق آبرو و حیث و حق برابری در مقابل دادگاه نیز اشاره و مخاطبان خود را به رعایت آن‌ها سفارش کرده است.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. حضرت علی (ع). (۱۳۷۸). **نهج البلاغه**. ترجمه دشتی. تهران: فیض الاسلام.
۳. امام سجّاد (ع). (۱۳۸۸). **رساله حقوق**. ترجمه محمدحسین افشاری. تهران: مشهور.
۴. بوازرا، مارسل آ. (۱۳۶۲). **انسان دوستی در اسلام**. ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی. چاپ اول، تهران: طوس.
۵. تاموشات، کریستیان. (۱۳۸۶). **حقوق بشر**. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: میزان.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**. محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ روزنه.
۷. غزالی، امام محمد. (۱۳۵۹). **احیاء علوم الدین (نیمه دوم ربع مهلکات)**. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۸. _____ . (۱۳۶۶). **احیاء علوم الدین (ربع عادات)**. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۹. _____ . (۱۳۶۸). **احیاء علوم الدین (نیمه سوم ربع مهلکات)**. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. _____ . (۱۳۶۱). **کیمیای سعادت**. جلد اول. تصحیح احمد آرام. تهران: بهجت.
۱۱. _____ . (۱۳۶۱). **کیمیای سعادت**. جلد دوم. به کوشش حسین خدیو جم. چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. _____ . (۱۳۶۷). **نصیحة الملوک**. تصحیح جلال‌الدین همایی. چاپ چهارم، تهران: هما.

۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۰). **حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع)**. چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۴. قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۹). **حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)**. چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). **متن و ترجمه فروع کافی**. قم: قدس.
۱۶. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). **بحار الأنوار**. ترجمه موسی خسروی. تهران: کتاب-فروشی اسلامیّه.
۱۷. محمد بن مکرّم، ابن منظور. (۱۳۸۴). **لسان العرب**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. مدرسّی، سید محمد رضا. (۱۳۷۱). **فلسفه اخلاق**. چاپ اول، تهران: سروش.
۱۹. مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۸۵). **مبانی و کلیات علم حقوق**. تهران: پایدار.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۲). **فلسفه اخلاق**. به کوشش احمد حسین شریفی. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). **انسان کامل**. چاپ ۴۷، تهران: صدرا.
۲۲. معین، محمد. (۱۳۶۲). **فرهنگ فارسی**. تهران: امیر کبیر.
۲۳. مهرپور، حسین. (۱۳۸۳). **نظام بین‌المللی حقوق بشر**. تهران: اطلاعات.

ب) مقاله‌ها

۱. کریمی‌نیا، محمد مهدی. (مهر ۱۳۸۲). «حقوق، حق و اقسام حق». نشریه معرفت. شماره هفت، سال دوازدهم.
۲. تسخیری، محمد علی. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها. پدیدآور: همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها. قم: دانشگاه مفید.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی